

تحلیل جامعه شناختی رفتارهای انحرافی دانشجویان: آزمون تجربی دیدگاه نظری چندگانه

اکبر علیوردی نیا^۱

دانشیار گروه علوم اجتماعی

دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)

عرفان یونسی بروجنی^۲

کارشناس ارشد پژوهش

علوم اجتماعی دانشگاه مازندران

تاریخ پذیرش: بهمن ۹۲

(تاریخ دریافت: آبان ۹۲،

چکیده:

پژوهش حاضر با این هدف انجام شده است تا با تکیه بر نظریات سه گانه (نظریه پیوند اجتماعی هیرشی، نظریه عمومی جرم گاتفردسون و هیرشی و نظریه فشار عمومی اگنو)، تأثیر همزمان متغیرهای مستخرج از نظریه های مذکور بر رفتارهای انحرافی دانشجویان مورد بررسی قرار گیرد. در این راستا سعی شد با تکیه به پیشینه نظری و تجربی پژوهش، مدلی تدوین گردد که از آن طریق بتوان روابط ساختاری بین متغیرها و سازه های مورد پژوهش را مورد آزمون قرار داد. برای دستیابی به این هدف ۴۴۰ نفر از دانشجویان دانشگاه های تهران و علامه طباطبائی با روش نمونه گیری تصادفی ساده، به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند و پرسشنامه های مورد نظر برای آنها اجرا شد. شاخص های تعیین برآزش مدل نشان داد که مدل معادلات ساختاری مربوط به متغیر فشار عمومی، به عنوان متغیر مستقل برونزا و متغیرهای خودکنترلی و پیوند اجتماعی، به عنوان متغیرهای میانجی گر و متغیر رفتار انحرافی به عنوان متغیر وابسته، برآزش مطلوبی با داده های کلی پژوهش داشته است و این امر بیانگر این است که داده های تجربی با مدل مفروض، برآزش داشته است. بر اساس ضرایب مستقیم و غیرمستقیم مسیر، فشار عمومی و مؤلفه های آن و پس از آن پیوند اجتماعی، بیشترین نقش تبیین کنندگی را داشته اند، درحالی که خودکنترلی کمترین مقدار را به خود اختصاص داده است. **واژگان کلیدی:** رفتار انحرافی، نظریه پیوند اجتماعی، نظریه فشار عمومی، خودکنترلی پایین.

^۱. آدرس الکترونیکی: aliverdinia@umz.ac.ir

^۲. آدرس الکترونیکی: younesi.erfan@yahoo.com

طرح مسئله

رفتارهای انحرافی^۳ به رفتارهایی اطلاق می شود که مورد تأیید جامعه نیست. رفتارهای انحرافی در زمره اختلالات معطوف به اجتماع قرار دارد، بدین معنا که این نوع اختلالات تاحدی اختیاری هستند؛ که از این نظر با اختلالات اضطرابی و روانی متفاوت اند. به عبارت دیگر، با اینکه اختلالات اضطراب و افسردگی مشکلاتی هستند که افراد به آنها دچار می شوند، اختلالات معطوف به اجتماع و سوء مصرف مواد، مواردی هستند که افراد مرتکب آنها می شوند (ساز^۴، ۱۹۸۴). بروز رفتارهای انحرافی در میان جوانان بیشتر مشهود است؛ طبق گزارش ستاد مبارزه با مواد مخدر (۱۳۸۶) بالاترین میزان سوء مصرف مواد در دامنه سنی ۲۷-۲۱ سال مشاهده می شود. در میان جوانان، دانشجویان از حیث موقعیت و پرستیژ فکری و اجتماعی فعلی و آینده، با بقیه همگنان خود تفاوت دارند. پرستیژ بالای اجتماعی و فکری دانشجویان باعث می شود تا جامعه انتظار داشته باشد رفتارهای انحرافی در میان آنان چندان دیده نشود. با وجود این، مواردی از گسترش انحرافات اجتماعی در بین این گروه دیده می شود که نگرانی هایی را در پی داشته است (سراجزاده و فیضی، ۱۳۸۶).

محققان امروزه عامل خاصی را علت رفتار انحرافی نمی دانند بلکه عوامل متعددی را در این زمینه دخیل می دانند. در تحقیقات پیشین تلاش هایی برای ترکیب و ادغام نظریه های مختلف انحرافات اجتماعی به منظور تبیین سطوح مختلف رفتار انحرافی گروه های هدف (نظیر نوجوانان، دانشجویان و...) صورت گرفته است (کاگنر^۵، ۱۹۷۶؛ سرنکوویچ^۶، ۱۹۷۸؛ آتمن و ولفورد^۷، ۱۹۷۹؛ الیوت و همکاران^۸، ۱۹۷۹؛ جانسون^۹، ۱۹۷۹؛ سگریو و هاستند^{۱۰}، ۱۹۸۳؛ تورنبری^{۱۱}، ۱۹۸۷؛ وینفری و همکاران^{۱۲}، ۱۹۹۶؛ همگی به نقل از براون و همکاران، ۲۰۱۰). از طریق ادغام نظریه ها و اندازه گیری متغیرهای گوناگون است که می توان واریانس تبیین شده بیشتری داشت که این امر خود، درک کلی ما را از رفتار انحرافی و مجرمانه افزایش خواهد داد. محققان حوزه علوم اجتماعی و جرم شناسی و افرادی که سعی در تبیین رفتارهای انحرافی گروه های مختلف دارند با استفاده از روش آماری سودمندی، مدل های نظری را مورد آزمون قرار می دهند. دامنه تغییرات واریانس تبیین شده بین ۱۵ درصد (سرنکوویچ، ۱۹۷۸) تا ۵۲ درصد (الیوت و همکاران، ۱۹۸۵) متغیر بوده است. البته قدرت نسبی مدل های نظری و مفهومی در تبیین رفتارهای انحرافی و مجرمانه تا حد بسیار زیادی بستگی به نوع ترکیب نظریه های موجود، طرح پژوهش، و انتخاب ابزارهای اندازه گیری روا و پایا دارد. دلیل دیگر استفاده از مدل های ترکیبی این است که با استفاده صرف از یک نظریه یا اندازه گیری چند متغیر در قالب یک نظریه نمی توان تبیین دقیق و مکفی از رفتار انحرافی داشت.

مطالعات اندکی به مدل سازی تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای پیشین بر رفتار انحرافی پرداخته اند. بدین ترتیب، تبیین و پیش بینی رفتار انحرافی با بکارگیری برخی از مهم ترین متغیرهای پیشین رفتار انحرافی بر اساس ارائه مدل معادلات ساختاری، مد نظر پژوهش حاضر بوده است. در پژوهش حاضر سعی شده است روابط ساختاری بین متغیرهای «نظریه پیوند

^۳. Deviant behavior

^۴. Szasz

^۵. Conger

^۶. Cernkovich

^۷. Aultman & Wellford

^۸. Elliott et al.

^۹. Johnson

^{۱۰}. Segrave & Hasted

^{۱۱}. Thornberry

^{۱۲}. Winfree et al.

اجتماعی هیرشی^{۱۳}، «نظریه عمومی جرم گاتفردسون و هیرشی^{۱۴}» و «نظریه فشار عمومی اگنو^{۱۵}» بر اساس مدل پیشنهادی تحقیق در میدان تجربی مورد آزمون قرار گیرد. باید گفت که آنچه در علم، ارزش تبیین و پیش‌بینی‌کنندگی دارد، بیان روابط میان متغیرها در قالب مدل‌های آماری است. روابط نظری میان سازه‌ها، بخش معادلات ساختاری مدل و روابط بین نشانگرها و سازه‌های نظری، بخش اندازه‌گیری مدل را تشکیل می‌دهد. به منظور آزمون یک مدل مفهومی، هر یک از این بخش‌ها باید به عنوان یک مدل آماری فرمول‌بندی شود. این مدل آماری مستلزم تدوین شکل رابطه مورد نظر (خطی یا غیرخطی) است (هومن، ۱۳۹۰). بنابراین بر اساس مطالعات انجام شده در زمینه رفتارهای انحرافی دانشجویان و عوامل تشکیل دهنده، زمینه‌ساز و تأثیرگذار بر آن، مسئله اصلی پژوهش حاضر این گونه مطرح می‌شود که «آیا مدل مفهومی رفتارهای انحرافی دانشجویان بر اساس عوامل جامعه‌شناختی مؤثر با داده‌های تجربی برازش دارد؟»

هدف تحقیق

هدف اساسی و کلی این پژوهش، آن است که با ترکیب «نظریه پیوند اجتماعی هیرشی»، «نظریه عمومی جرم گاتفردسون و هیرشی» و «نظریه فشار عمومی اگنو»، تأثیر همزمان متغیرهای مستخرج از این نظریه‌ها بر رفتارهای انحرافی دانشجویان دانشگاه‌های تهران و علامه طباطبایی مورد بررسی قرار گیرد تا از این طریق بتوان مدل ترکیبی را به‌بوته آزمون تجربی قرار داد.

هدف جزئی پژوهش نیز مقایسه میان نظریه‌های مورد استفاده در این پژوهش است تا بتوان در مورد میزان تبیین‌کنندگی آنها در جامعه قضاوت کرد و اهمیت نسبی هر کدام را نسبت به دیگری مشخص نمود.

واکاوی پیشینه تحقیق

مرور نتایج تحقیقات پیشین در مورد رفتارهای انحرافی دانشجویان - از قبیل مصرف سیگار، مواد، مشروب، روانگردان، انحراف جنسی، تقلب، وندالیسم و پرخاشگری - در ایران واقعیت‌های تلخی را در خصوص گسترش روزافزون این گونه رفتارها بازگو می‌کند. مطالعه کرد میرزا و همکاران (۱۳۸۲) بر روی دانشجویان رشته‌های مختلف در سطح دانشگاه‌های تهران نیز نشان داده است که ۱۶/۳ درصد دانشجویان رشته‌های هنر، ۸/۸۵ درصد دانشجویان رشته‌های علوم انسانی، ۶ درصد دانشجویان فنی و مهندسی، و ۵ درصد دانشجویان رشته پزشکی به مصرف مواد اذعان دارند. هم‌چنین بواله‌ری و همکاران (۱۳۸۵) شیوع مصرف سیگار، قلیان، مشروبات الکلی، حشیش، قرص‌های اکس، تریاک، هروین، کراک و شیشه را در بین دانشجویان دانشگاه تهران به ترتیب ۲۴/۲، ۳۹/۹، ۱۷، ۲/۲، ۰/۷، ۲/۳، ۰/۲ و ۰/۷ درصد گزارش کرده‌اند. رحیمی موقر و همکارانش (۱۳۸۵) در تحقیقی تحت عنوان مطالعه مروری و وضعیت مصرف مواد در دانشجویان کشور تلاش کرده‌اند. نتایج این مطالعه مروری حاکی از آن است که الکل و پس از آن مصرف تریاک و سپس حشیش، شایع‌ترین مواد غیرقانونی‌اند که استفاده می‌شوند. تعداد دانشجویانی که به مصرف یکی از مواد غیرقانونی وابسته هستند بیش از ۵۰ هزار نفر و تعداد کسانی که در طول یک ماه حداقل یک بار یکی از مواد اپیوئیدی را مصرف می‌کنند حدود ۱۵۰ هزار نفر در کشور تخمین زده می‌شود. علی‌وردی نیا و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی که بر روی دانشجویان دانشگاه ارومیه انجام دادند، سابقه یکبار و بیشتر مصرف مواد (مخدر)، مشروبات الکلی، و رابطه جنسی با جنس مخالف (بدون ازدواج) را به ترتیب ۵/۹، ۱۷/۷ و ۱۴/۱ درصد گزارش کرده‌اند.

۱۳. Hirschi's social Bond Theory

۲. Gottfredson and Hirschi's General Theory of Crime

۱۵. Agnew's General Strain Theory

جونز و کیزنبری (۲۰۰۴) در مطالعه در بین ۲۵۴ نفر دانشجوی که بر روی رفتارهای خطر آفرین در رانندگی (رانندگی در حین مستی، عدم بستن کمربند ایمنی و یا سرعت غیر مجاز) انجام دادند، به تأیید تجربی بسیار بالایی برای نظریه عمومی جرم دست یافتند. یافته‌های این تحقیق نشان داد که با کاهش خودکنترلی، فراوانی رفتارهای خطرناک مذکور افزایش می‌یافت. هم‌چنین محققان دریافته‌اند که افراد با خودکنترلی بالا، کمتر در رفتارهای جنسی پرخطر مشارکت می‌کنند. در پژوهش‌هایی که در آمریکا، اروپا و نیوزلند انجام شده است، عوامل خطر مرتبط با رفتارهای انحرافی عمدتاً در سطح فردی و در موقعیت‌های اساسی که جوانان بیشتر زمان خود را به آنجا اختصاص می‌دهند، نظیر خانواده، گروه همسالان، مدرسه و نظایر آن، تعریف می‌شود (فرگوسن و همکاران^{۱۶}، ۲۰۰۳). جوانانی که به طور همزمان در معرض چندین عامل خطر قرار دارند، به احتمال بیشتری در معرض خطر بالاتری برای ارتکاب رفتارهای انحرافی و جرم هستند (سامروف، گاتمن و پک^{۱۷}، ۲۰۰۳). با وجود این پژوهش‌ها، نتایج پژوهش‌های دیگر نیز گویای آن است که جوانانی هم هستند که در معرض چندین عامل خطر قرار دارند ولی در عین حال نسبت به ارتکاب رفتارهای انحرافی در چنین محیط‌هایی مقاوم^{۱۸} هستند (لاتار^{۱۹}، ۲۰۰۳). مقاوم بودن به الگوهای انطباق مثبت در بافت عوامل خطر معنادار اشاره دارد (مستن و پاول^{۲۰}، ۲۰۰۳). عوامل محافظت‌کننده را می‌توان در سه طبقه کلی برشمرد: ۱) عوامل مرتبط با ویژگی‌های فردی افراد، ۲) عوامل و فرایندهای خانوادگی، و ۳) عوامل فراخانوادگی و منابع اجتماعی (همان). نتایج پژوهش‌های گوناگون گویای آن است که میزان رفتار انحرافی با پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایین‌تر (لافری^{۲۱}، ۱۹۹۸؛ پارکر و مک‌کال^{۲۲}، ۱۹۹۹) بیشتر است. در تحقیقات خارجی علاوه بر بررسی رفتارهای انحرافی، مصداق‌های متفاوتی از آن نظیر مصرف مواد، ماری‌جوانا، الکل، رفتارهای پرخطر جنسی، رفتارهای خطر آفرین رانندگی و ... را به طور جداگانه مورد بررسی قرار داده‌اند. حجم نمونه بسیار زیاد، استفاده از داده‌های طولی، استفاده از تئوری‌های متعدد و استفاده از تکنیک مدل‌یابی معادلات ساختاری، از ویژگی‌های مثبت تحقیقات اخیر است که یافته‌های قابل توجهی در مورد پیش‌بینی رفتارهای انحرافی دانشجویان به دست می‌دهد و نتایج پژوهش را قابل استناد می‌کند.

چارچوب نظری تحقیق

دیدگاه‌های نظری متعددی در حوزه انحرافات اجتماعی وجود دارد که می‌توان آنها را در قالب سه پارادایم اصلی یعنی پارادایم ساختاری^{۲۳}، پارادایم فرایند اجتماعی^{۲۴} و پارادایم تضاد^{۲۵} از هم تفکیک کرد. هر کدام از این دیدگاه‌های نظری چشم‌اندازهای متفاوتی ارائه می‌کنند و هر کدام بر متغیرهای مختلفی نیز تأکید دارند (کلینارد و مایر^{۲۶}، ۲۰۱۰: ۷۴) که در تبیین رفتارهای انحرافی یا سایر مسائل مرتبط با این حوزه از آنها استفاده می‌شود. هم‌راستا با تدوین یک مدل معادلات ساختاری که بتوان از آن طریق به تبیین رفتار انحرافی در دانشجویان پرداخت، نظریه فشار عمومی اکنون از پارادایم ساختارگرا، و نظریه پیوند اجتماعی هیرشی و نظریه عمومی جرم از پارادایم فرآیند اجتماعی، به عنوان چارچوب نظری برگزیده شده

^{۱۶}. Fergusson & et al.

^۲. Sameroff, Gutman, & Peck

^{۱۸}. Resilience

^۴. Luthar

^{۲۰}. Masten & Powell

^۱. LaFree

^{۲۲}. Parker and McCall

^{۲۳}. Structural theories

^۴. Social Process Theories

^{۲۵}. Conflict Theory

^۱. Clinaard and Meier

است، تا بتوان از نگاه تک بعدی به مسئله فاصله گرفت. لازم به توضیح است که نظریه فشار عمومی به متغیرهای محیطی و بیرونی مؤثر بر انحراف می‌پردازد؛ نظریه پیوند اجتماعی و نظریه عمومی جرم نیز به فرآیندهایی اشاره دارند که به واسطه آنها افراد مرتکب انحراف می‌شوند، با این تفاوت که نظریه عمومی جرم تأکید بیشتری بر متغیرهای درونی و فردی دارد و در مقابل، نظریه پیوند اجتماعی در سطح میانی، میزان پیوند فرد با خانواده، گروه‌های اجتماعی را در بروز انحراف مؤثر می‌داند. به طور کلی می‌توان گفت این سه نظریه از جمله مفیدترین نظریه‌ها در تبیین و پیش‌بینی جرم و رفتارهای انحرافی هستند (کالن و اگنو، ۲۰۰۶)؛ و مطالعات متعددی به بررسی این سه نظریه جامعه‌شناختی جرم و رفتار انحرافی در آمریکا پرداخته‌اند (اگنو، ۱۹۸۵، ۱۹۹۲؛ ایکرز^{۲۷}، ۱۹۹۰؛ کالن و اگنو^{۲۸}، ۲۰۰۶)؛ مطالعات دیگری نیز با گستره بین فرهنگی صورت گرفته است (بوآ و هم‌کاران^{۲۹}، ۲۰۰۴) که همگی حاکی از روایی بین فرهنگی این نظریه‌ها در تبیین و پیش‌بینی رفتار انحرافی در دانشجویان است. بنابراین الگوی نظری تحقیق حاضر، تلفیقی از نظریه پیوند اجتماعی، نظریه عمومی جرم و نظریه فشار عمومی در قالب یک مدل معادلات ساختاری است.

نظریه پیوند اجتماعی^{۳۰} از جمله نظریه‌هایی است که در این تحقیق از آن بهره برده شده است. هیرشی در این نظریه، بر نقش روابط اجتماعی تمرکز دارد؛ روابطی که از آنها به عنوان پیوندهای اجتماعی یاد می‌کند (هیرشی، ۱۹۶۹: ۱۶). نظریه پیوند اجتماعی، بر این فرض مبتنی است که اعمال بزهکارانه هنگامی رخ می‌دهد که پیوند فرد با جامعه ضعیف یا شکسته می‌شود. هیرشی معتقد بود که برای بزهکار شدن فرد، نیازی به عوامل انگیزشی نیست؛ تنها عامل مورد نیاز، فقدان کنترل است که به فرد این آزادی را می‌دهد که فواید جرم را نسبت به هزینه‌های آن ارزیابی کند. مفهوم اساسی نظریه کنترل هیرشی، پیوند افراد به جامعه است و بدون پیوندهای اجتماعی و بدون حساسیت نسبت به منافع دیگران، فرد آزادانه مرتکب فعالیت بزهکارانه می‌شود. هیرشی استدلال می‌کند که پیوند اجتماعی شخص با جامعه ارتباط دارد؛ این پیوند دارای چهار عنصر است: پیوستگی، التزام، مشغولیت و باور. هیرشی معتقد است که روابط متقابل عناصر پیوند اجتماعی، باعث کنترل رفتارهای بعدی می‌شود؛ به طور مثال، مردمانی که احساس خویشاوندی می‌کنند یا نسبت به والدین و دوستان‌شان حساس‌اند، احتمال بیشتری دارد که به سوی هدف‌های قانونی و مشروع کشیده شوند، اما شخصی که چنین روابط اجتماعی را نمی‌پذیرد، احتمال بیشتری دارد که نسبت به هدف‌های مرسوم بی‌توجه باشد. هم‌چنین، افرادی که تعهد بیشتری نسبت به اعمال یا اعتقادات مرسوم دارند، بیشتر به سوی فعالیت‌های مرسوم کشیده می‌شوند (سیگل، ۲۰۰۱: ۲۳۹-۲۳۸). بر اساس این نظریه، هر چه افراد کمتر پیوسته، ملتزم، مشغول و معتقد باشند، پیوندشان با جامعه سست‌تر است و احتمال کج‌رفتاری‌شان بیشتر خواهد بود.

نظریه عمومی جرم^{۳۱} از دیگر نظریه‌هایی است که در این زمینه از آن بهره برده شده است. این نظریه، مفاهیم نظریه کنترل را با دیدگاه‌های زیست اجتماعی، روان‌شناختی، فعالیت روزمره و نظریه‌های انتخاب عقلانی ترکیب می‌کند (سیگل، ۲۰۰۱: ۲۹۴)، بنابراین در مقایسه با نظریه پیوند هیرشی، دیدگاهی کامل‌تر است (کلی و لیش، ۱۳۸۹). نظریه عمومی جرم، مدعی است که افراد با هدف کسب لذت و احتراز از رنج، مرتکب جرم می‌شوند. بنابراین جرم امری منطقی، عقلانی و پیش‌بینی‌پذیر است. افراد زمانی مرتکب جرم می‌شوند که این امر پاداش‌دهنده باشد. اگر هدف‌های مورد نظر فرد مراقبت شوند، تهدید به مجازات جلوی جرم را می‌گیرد و میزان جرم کاهش می‌یابد (های، ۲۰۰۱: ۲۰۹-۲۰۶). این نظریه پردازان، این باور را مطرح

۲۷. Akers

۲. Cullen and Agnew

۲۹. Boa et al.

۴. Social Bond Theory

۳۱. General Theory of Crime

کردند که خودکنترلی، که در سال‌های نخست زندگی، درونی می‌شود، مشخص می‌کند که چه افرادی مرتکب جرم خواهند شد (گراسمیک، ۱۹۹۳: ۷). از آنجا که مسیر جرم یا دور شدن از آن، از اوایل زندگی شروع می‌شود، این عقیده را مطرح کردند که سطح خودکنترلی، به کیفیت تربیت کودک توسط والدین در سال‌های نخست کودکی بستگی دارد، بنابراین می‌توان گفت که تربیت والدین، مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده سطح خودکنترلی است (گراسمیک، ۱۹۹۳)، به نقل از کلی ولش، ۱۳۸۹؛ گاتفردسون و هیرشی، ۱۹۹۰: ۹۷). از نظر آنها، تمایل به ارتکاب جرم، بستگی به سطح خودکنترلی دارد. مفهوم اصلی این دیدگاه «خودکنترلی پایین^{۳۲}» است.

نظریه فشار عمومی^{۳۳} نیز در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است. اگنو در این نظریه سعی می‌کند تا وقوع جرمی را تبیین کند که ناشی از فشاری است که فرد در زندگی با آن روبرو می‌شود (سیگل، ۱۹۹۸). اگنو انحراف را نتیجه مستقیم تأثیرگذاری منفی خشم و ناکامی و احساسات مضر می‌داند که به دنبال مناسبات اجتماعی مخرب و منفی به وجود می‌آید و هم‌چنین معتقد است هرچه شدت و تکرار واقعه فشار بیشتر باشد، احتمال بروز رفتار انحرافی بیشتر است (سیگل، ۱۹۹۸). بنابراین مطابق نظریه اگنو، افرادی که در معرض فشار مکرر قرار دارند، بیشتر احتمال دارد که مرتکب اعمال انحرافی شوند (اگنو، ۱۹۹۲). بر اساس نظر اگنو (به نقل از علیوردی‌نیا، ۱۳۸۹) منابع اصلی فشار در بروز رفتارهای انحرافی عبارتند از:

فشار ایجاد شده به خاطر عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت^{۳۴}: در چنین جوامعی، افراد از رسیدن به اهداف مثبت باز داشته می‌شوند یا دسترسی به اهداف مشروع (پول و منزلت و استقلال) دشوارتر است. این اهداف زمانی به فشار تبدیل می‌شود که اشخاص در زندگی خود با گسستگی‌هایی^{۳۵} روبرو می‌شوند. اولین گسستگی، گسستگی بین آرزوها^{۳۶} و توقعات^{۳۷} است که کانون نظریه‌های فشار پیشین است (اگنو، ۱۹۹۲: ۵۱). منبع دیگر فشار، که در نتیجه مسدود شدن هدف ایجاد می‌شود، گسستگی بین توقعات و دستاوردهای واقعی^{۳۸} است. این گسستگی، حاصل رفتار فردی است. زمانی که دستاوردهای واقعی فرد کمتر از انتظار اوست، فشار افزایش می‌یابد (اگنو، ۱۹۹۲: ۵۲). سومین نوع گسستگی زمانی ایجاد می‌شود که پیامدی واقعی^{۳۹} که فرد با آن مواجه می‌شود، پیامدهای منصفانه یا عادلانه‌ای^{۴۰} نباشد که خود را سزاوار آن می‌داند.

فشار در نتیجه حذف انگیزه‌های ارزشمند مثبت از افراد^{۴۱}: این منبع فشار در درجه اول به تجربه فرد با رویدادهای تنش‌دار زندگی که برای نوجوانان بروز می‌کند، مانند از دست دادن چیزی یا کسی که ارزش زیادی دارد، اشاره دارد (ایکرز و سلرز^{۴۲}، ۱۳۹۰). رفع انگیزه‌های مثبت نیز می‌تواند سبب فشار شود. زمانی که کسی سعی می‌کند مانع از دست رفتن انگیزه مثبت شود و آنچه را باز یابد که از دست رفته است، جانشینی برای آن پیدا کند یا از کسانی که مسئول از دست دادن آن بودند انتقام بگیرد، نبودن انگیزه‌های مثبت ممکن است منجر به بزهکاری شود.

فشار در نتیجه وجود انگیزه‌های منفی^{۴۳}: این نوع، به مجموعه دیگری از رویدادهای تنش‌دار زندگی اشاره دارد که شامل مواجهه فرد با اعمال منفی دیگران است (ایکرز و سلرز، ۱۳۹۰). فشار با حضور انگیزه‌های منفی یا مضر نیز ایجاد می‌شود؛

^{۳۲}. Low self-control

^{۳۳}. General Strain Theory

^{۳۴}. Strain Caused by the Failure to Achieve Positively Valued Goals

^{۳۵}. Disjunction

^{۳۶}. Aspirations

^{۳۷}. Expectations

^{۳۸}. Actual Achievements

^{۳۹}. Actual Outcome

^{۴۰}. Just/ Fair Outcome

^{۴۱}. Strain as the Removal of Positively Valued Stimuli from the Individual

^{۴۲}. Ronald L. Akers and Christine S. Sellers

^{۴۳}. Strain as the Presentation of Negative Stimuli

مثل کودک آزاری، قربانی تبهکاری شدن، تنبیه بدنی، زد و خورد خانوادگی و زد و خورد بین همسالان، شکست تحصیلی و حوادث تنش‌زای زندگی (سیگل، ۱۹۹۸: ۱۸۰). بیشتر داده‌ها بیانگر این هستند که محرک‌های مضر ممکن است منجر به تجاوز و دیگر پیامدهای منفی در وضعیت معین شود؛ حتی زمانی که فرار قانونی از چنین محرک‌هایی ممکن باشد. زمانی که جوان تلاش می‌کند تا از محرک‌های منفی اجتناب یا فرار کند یا محرک‌های منفی را کم کند یا خاتمه دهد یا دنبال جانشینی برای منبع انگیزه منفی یا اهداف مرتبط با آن باشد یا با استعمال مواد مخدر غیرقانونی، آثار محرک‌های منفی را خنثی کند، محرک مضر ممکن است منجر به بزهکاری شود (اگنو، ۱۹۹۲: ۵۸). اعمال کج‌روانه ممکن است برای مقابله با استرس از طریق دور زدن آن، انتقام گرفتن از منبع ادراک شده فشار یا پناه بردن به مصرف مواد، انجام پذیرد. کج‌روی به احتمال زیاد، زمانی بروز می‌کند که پاسخ به فشار از نوع خشم باشد. خشم، زمانی حاصل می‌شود که فرد، سیستم یا دیگران را برای تجربیات نامطلوب سرزنش می‌کند و خود را مقصر نمی‌داند (برنارد^{۴۴}، ۱۹۹۰؛ به نقل از ایکرز و سلرز، ۱۳۹۰).

نتایج پژوهش‌ها حاکی از آن است که این عوامل فشار با رفتارهای انحرافی در ارتباط هستند (اگنو، ۲۰۰۱، ۲۰۰۶a، ۲۰۰۶b). پژوهش‌های جدیدتر که به منظور تأیید نظریه فشار اگنو صورت گرفته است تأثیر متغیرهایی هم‌چون سوء استفاده دوستان، بی‌خانمانی، عدم رضایت از درآمد و ... را مورد بررسی قرار داده‌اند (اگنو، ۲۰۰۲؛ اگنو و برزینا^{۴۵}، ۱۹۹۷؛ اگنو، کالن، برتون، ایوانز و داناوی^{۴۶}، ۱۹۹۶؛ هیندوجا و پاتچین^{۴۷}، ۲۰۰۷؛ کافمن، ۲۰۰۷؛ والاس، پاتچین و می^{۴۸}، ۲۰۰۵؛ اسپانو و همکاران^{۴۹}، ۲۰۰۶؛ سیمونز، چن، استیورات و برادی^{۵۰}، ۲۰۰۳؛ همگی به نقل از کرون^{۵۱} و همکاران، ۲۰۰۹).

مدل نظری تحقیق

مدل نظری پژوهش در شکل زیر آورده شده است. توضیح آنکه در این مدل متغیرهای رفتارهای انحرافی، خودکنترلی پایین، فشار عمومی و پیوند اجتماعی به عنوان متغیرهای مکنون و پنهان (به شکل بیضی) در نظر گرفته می‌شود و با خرده مقیاس‌های این متغیرها به عنوان متغیرهای مشاهده شده (به شکل مستطیل) رفتار می‌شود. نکته مهم آنکه خطوط ترسیم شده بین متغیرهای پژوهش بر پیشینه نظری و تجربی استوار است. به عنوان مثال، بر اساس نظر ایکرز خودکنترلی و پیوند اجتماعی متغیرهای میانجی هستند و فشار عمومی از طریق تأثیر بر این دو متغیر نیز بر بروز رفتار انحرافی و مجرمانه تأثیر می‌گذارد (ایکز، ۲۰۰۰).

^{۴۴}. Bernard

^۱. Agnew & Brezina

^{۴۶}. Agnew, Cullen, Burton, Evans, & Dunaway

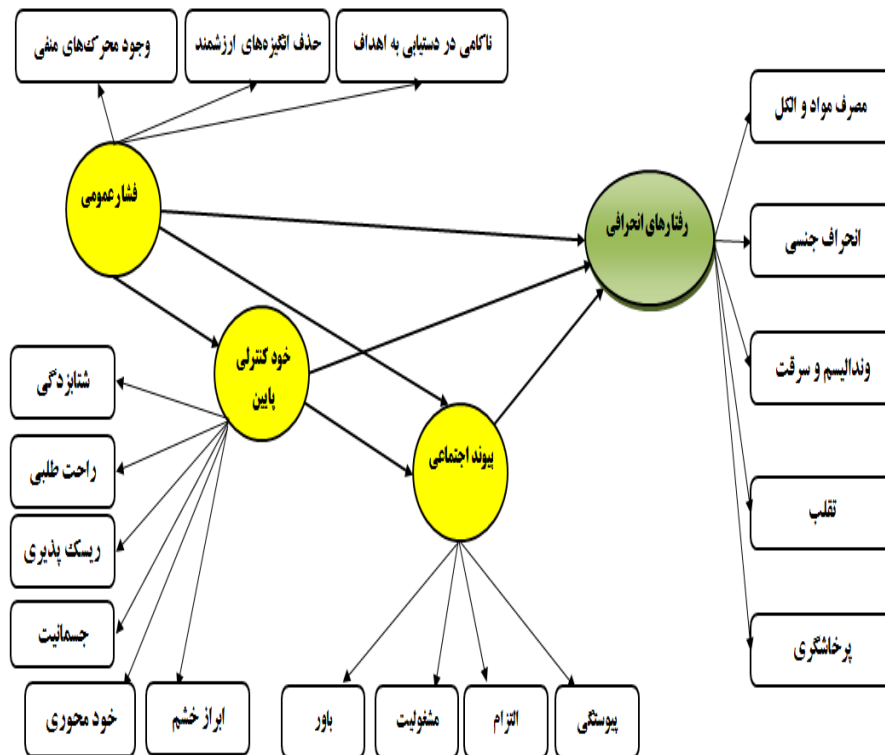
^{۴۷}. Hinduja & Patchin

^۴. Wallace, Patchin, & May

^{۴۹}. Spano et al.

^۶. Simons, Chen, Stewart, & Brody

^{۵۱}. Krohn et al



شکل ۱. مدل نظری پژوهش

فرضیه‌های اصلی تحقیق:

- رفتارهای انحرافی تابعی مثبت از فشار عمومی است.
- رفتارهای انحرافی تابعی مثبت از خودکنترلی پایین است.
- رفتارهای انحرافی تابعی منفی از پیوند اجتماعی است.

تصریح مفاهیم و سنجش متغیرها رفتارهای انحرافی

در طول چند دهه اخیر، کلیه مطالعاتی که در زمینه انحرافات اجتماعی انجام شده است با ابهام در تعریف رفتار انحرافی مواجه بوده است (ویتزر، ۲۰۰۲). در مجموع، این گونه رفتارها به تمامی اعمال و نگرش‌هایی گفته می‌شود که با انتظارات فرد، گروه‌ها و نهادها ناسازگار است (شفرز، ۱۳۸۳). در تحقیق حاضر به منظور سنجش متغیر رفتارهای انحرافی، از ابعاد شش‌گانه «مصرف مواد مخدر، روان‌گردان و مشروبات الکلی»، «وندالیسم»، «سرقت»، «تقلب»، «پرخاشگری» و «انحراف جنسی» استفاده شده است. در مجموع از ۲۱ گویه برای سنجش رفتارهای انحرافی استفاده شده است که در قالب یک طیف شش‌درجه‌ای ساخته شده است که شش درجه این مقیاس را «هرگز»، «یک بار»، «۲ تا ۴ بار»، «۵ تا ۷ بار»، «۸ تا ۱۰ بار» و «بیش از ۱۰ بار» شامل می‌شود. نتایج حاصل از بررسی پایایی پرسشنامه نهایی نشان داد که ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده برای مقیاس رفتارهای انحرافی برابر ۰/۹۲۴ گزارش شده است.

پیوند اجتماعی

فرآیندهای اجتماعی شدن (در خانواده و سایر نهادهای اجتماعی)، پیوند افراد را به جامعه محکم تر می سازد. کنترل اجتماعی به عنوان یک پیوند به برخی از بخش های جامعه قابل کاربرد است. پیوند اجتماعی دارای چهار بعد است: پیوند به دیگران مهم (همسالان یا والدین)، التزام یا سرمایه گذاری در اجتماع متعارف (مثلاً در تحصیلات)، مشغولیت در رفتارهای متعارف (مثل مشارکت در فعالیت های بازتولیدی) و باور به ارزش های جامعه (احترام به قانون و اقتدار) (نخعی و همکاران، ۲۰۰۰). در این تحقیق برای سنجش بعد پیوستگی، پیوستگی به خانواده در نظر گرفته شده است. بعد التزام با معرف التزام تحصیلی سنجیده شده است. بعد مشغولیت با پنج معرف «مشغولیت ورزشی»، «مشغولیت علمی»، «مشغولیت فرهنگی - هنری و ادبی»، «مشغولیت مذهبی» و «مشغولیت سیاسی» سنجیده شده است. بعد باور نیز با معرف های پرداخت پول بلیط و رعایت قوانین و باورهای اخلاقی بررسی شده است. در مجموع برای سنجش این متغیر از ۳۰ گویه در قالب طیف لیکرت ۶ درجه ای از کاملاً مخالف (۱) تا کاملاً موافق (۶) استفاده شده است.

خودکنترلی پایین

این مفهوم، به معنای توان افراد در محدود ساختن خویش است. گاتفردسون و هیرشی در نظریه عمومی جرم خود، برای تبیین ارتکاب همه رفتارهای متشابه و مجرمانه، از مفهوم خودکنترلی پایین استفاده می کردند. برای سنجش متغیر خودکنترلی، شش بُعد در نظر گرفته شده، که بدین قرار می باشد: شتابزدگی، راحت طلبی، خطرپذیری، ترجیح فعالیت جسمانی، خودمحوری و ابراز خشم (گراسمیک و دیگران، ۱۹۹۳؛ علیوردی نیا، ۱۳۸۹). در مجموع برای سنجش این متغیر از ۲۴ گویه در قالب طیف لیکرت ۶ درجه ای از کاملاً مخالف (۱) تا کاملاً موافق (۶) استفاده شده است.

فشار عمومی

این مفهوم که مبتنی بر نظریه فشار عمومی اگنو است، به حوادثی اطلاق می شود که فرد در زندگی با آنها مواجه می شود (اندرسون، ۲۰۰۲). از دیدگاه نظریه عمومی فشار، فشار احساسات منفی ای ایجاد می کند که محرک هایی را برای انحراف به عنوان یک استراتژی نگهدارنده فراهم می سازد (سونگ جون و جانسون^{۵۲}، ۲۰۰۳). از این منظر فشارهای خاص، شامل ناکامی در دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت، حذف انگیزه های ارزشمند مثبت و وجود انگیزه های منفی قوی مانند خشم و افسردگی است. خشم به طور خاص، با درک ارتباط بین فشار و رفتار انحرافی مرتبط است زیرا این احساس به کنش فرد نیرو بخشیده، احساسات آسیب پذیر را افزایش داده و منجر به تمایل به ارتباط می شود (کاستر و باتلر^{۵۳}، ۲۰۰۶: ۲۹۹-۲۹۸). برای سنجش متغیر فشار عمومی سه بعد در نظر گرفته شده است: عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت، حذف محرک مثبت، وجود محرک منفی. در مجموع برای سنجش این متغیر از ۳۶ گویه در قالب طیف لیکرت ۶ درجه ای از کاملاً مخالف (۱) تا کاملاً موافق (۶) استفاده شده است.

اعتبار^{۵۴} و پایایی ابزار تحقیق

^{۵۲}. Sung joon and Johnson

^{۵۳}. Coster and Butler

^{۵۴}. Validity

سطح سنجش تمامی متغیرها فاصله‌ای بوده است. در پژوهش حاضر به منظور برآورد پایایی پرسشنامه از مشخصه‌های آماری پرسش‌های یک مجموعه که مستلزم تنها یکبار اجرای یک فرم آزمون است، استفاده شده است. در این روش، هماهنگی درونی آزمون یعنی میزان هماهنگی همه سؤال‌ها از طریق فرمول ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده است و ضریب آلفای کرونباخ برآورد شده در این پژوهش برای پرسشنامه‌های رفتار انحرافی، پیوند اجتماعی، خودکنترلی و فشار عمومی نیز به ترتیب ۰/۹۲۴، ۰/۸۳۱، ۰/۹۰۴ و ۰/۹۲۴ بوده که حاکی از مطلوب بودن ابرازها برای سنجش سازه‌های مورد نظر است. البته لازم به ذکر است که پایایی ابزار پس از انجام تحلیل عاملی اکتشافی، تحلیل عاملی تأییدی و حذف سؤالات محاسبه گردید. هم‌چنین ابزارهای استفاده شده در این پژوهش از حیث اعتبار محتوایی و صوری به تأیید صاحب‌نظران و متخصصان این حوزه رسیده است و نهایتاً برای برآورد میزان اعتبار مقیاس‌های تحقیق از اعتبار سازه تجربی که از طریق تحلیل عاملی حاصل شده است استفاده شد.

روش تحقیق

روش تحقیق این پژوهش پیمایشی و از نوع مقطعی است. برای جمع‌آوری اطلاعات نیز از پرسشنامه و تکنیک خودگزارشی استفاده شده است. این پژوهش را با توجه به اهداف آن می‌توان تحقیق همبستگی از نوع مدلیابی (تحلیل مسیر) دانست، که در آن به بررسی روابط درونی بین متغیرها در قالب کشف و تبیین مدل پرداخته و هدف از آن بررسی رابطه سازه‌های نهان برونزا و درونزا موجود در مدل است (کرلینجر، ۱۳۸۴). این مطالعه چون به آزمودن مدل خاصی از رابطه بین متغیرها می‌پردازد، از نوع مدلیابی علی یا مدل معادلات ساختاری است. مدلیابی معادلات ساختاری یک تکنیک تحلیل چند متغیری بسیار کلی و نیرومند از خانواده رگرسیون چند متغیری و به بیان دقیق‌تر بسط مدل خطی کلی است که به پژوهشگر امکان می‌دهد مجموعه‌ای از معادلات رگرسیون را به گونه‌ای همزمان مورد استفاده آزمون قرار دهد. مدلیابی معادلات ساختاری، یک رویکرد آماری جامع برای آزمون فرضیه‌هایی درباره روابط بین متغیرهای مشاهده شده و مکنون است که گاه تحلیل ساختاری کوواریانس، مدلیابی علی و گاه نیز لیزرل نامیده می‌شود (هومن، ۱۳۹۰). در این تحقیق، رفتارهای انحرافی به عنوان متغیر وابسته و سپس تمام متغیرهایی که بر روی این متغیر تأثیر می‌گذارند به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است.

نمونه آماری و روش نمونه‌گیری

جمعیت تحقیق

در پژوهش، مفهوم جمعیت تحقیق به کلیه افرادی اطلاق می‌شود که عمل تعمیم‌پذیری در مورد آنها صورت می‌گیرد (دلاور، ۱۳۸۹). جمعیت این تحقیق عبارت است از کلیه دانشجویان دختر و پسر که در سال تحصیلی ۹۲-۹۱ در دانشگاه‌های دولتی شهر تهران مشغول به تحصیل بوده‌اند.

نمونه، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه

با توجه به برآورد دواس از حجم نمونه توسط پاره‌ای از ویژگی‌ها مثل همگنی جمعیت و میزان خطای نمونه‌گیری ۵ درصد، نمونه‌ای با حجم ۴۰۰ نفر برای جمع‌آوری اطلاعات مناسب است (همان، ۹۷). با این حال، چون در اغلب تحقیقات پیمایشی، تعدادی از پرسشنامه‌ها به دلایل گوناگون قابل استفاده نیستند، لذا برای جلوگیری از کاهش حجم نمونه، ده درصد به کل حجم نمونه افزوده شد، که در نهایت ۴۴۰ پرسشنامه در میان دانشجویان، توزیع گردید. سرانجام، پس از کنار گذاشتن پرسشنامه‌های مخدوش، ۴۱۵ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای انتخاب نمونه پژوهش، ابتدا با استفاده از شیوه

نمونه گیری تصادفی ساده، دانشگاه تهران و دانشگاه علامه طباطبایی از بین دانشگاه‌های دولتی شهر تهران انتخاب شدند؛ سپس انتخاب پاسخ‌گویان در هر دانشگاه به صورت در دسترس صورت پذیرفت.

یافته‌ها و نتایج تحقیق

جدول ۱. تفاوت رفتارهای انحرافی در زنان و مردان

معداداری	t	خطای استاندارد میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد معتبر	جنسیت	ابعاد رفتاری انحرافی
۰/۰۰۰	-۴/۷۵۲	۰/۰۵۶	۰/۷۰	۱/۳۲	۱۵۲	زن	مصرف مواد، مشروب و روانگردان
		۰/۰۶۱	۱/۰۰	۱/۷۲	۲۶۳	مرد	
۰/۰۰۰	-۳/۷۶۷	۰/۰۴۷	۰/۵۸	۱/۳۳	۱۵۲	زن	تخلقات مالی (وندالیسم و سرقت)
		۰/۰۵۶	۰/۹۱	۱/۶۰	۲۶۳	مرد	
۰/۰۰۰	-۴/۵۱۸	۰/۰۷۳	۰/۹۱	۱/۶۳	۱۵۲	زن	پرخاشگری
		۰/۰۷۰	۱/۱۴	۲/۰۸	۲۶۳	مرد	
۰/۲۵۰	-۱/۱۵۲	۰/۱۱۲	۱/۳۹	۲/۶۳	۱۵۲	زن	تقلب تحصیلی
		۰/۰۹۰	۱/۴۷	۲/۸۰	۲۶۳	مرد	
۰/۰۰۶	-۲/۷۸۲	۰/۱۸۵	۲/۲۸	۳/۹۱	۱۵۲	زن	انحراف جنسی
		۰/۱۷۹	۲/۹۰	۴/۶۳	۲۶۳	مرد	

همان‌طور که در جدول بالا گزارش شده است، بین دختران و پسران در بین تمام مؤلفه‌های رفتار انحرافی به جز مؤلفه «تقلب» تفاوت معناداری وجود دارد.

مدل معادلات ساختاری

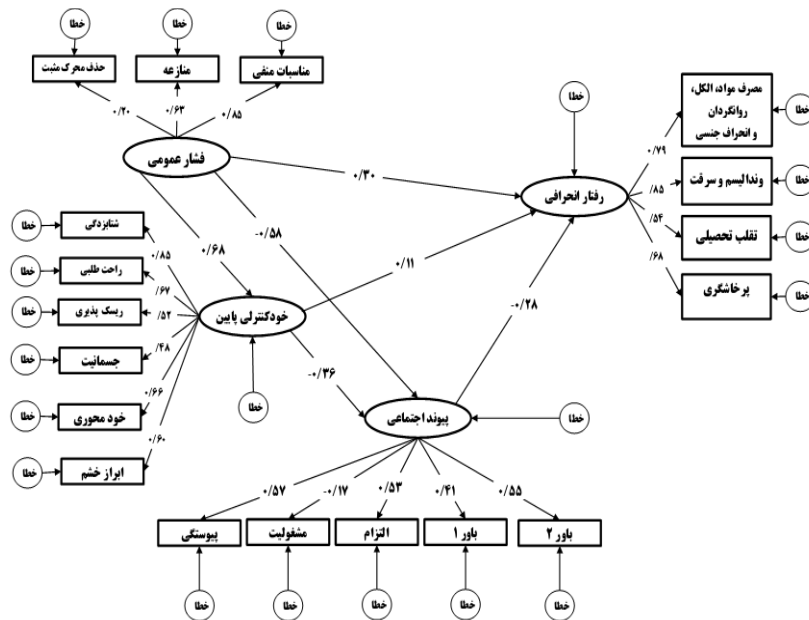
همان‌طور که در مقدمه بحث اشاره شد، بر اساس مبانی نظری مدل‌های رفتار انحرافی و پژوهش‌های انجام شده، مدلی فرضی تدوین شد که شامل متغیر برونزای فشار عمومی، و متغیرهای درونزای خودکنترلی و پیوند اجتماعی بوده است. در این بخش در پی پاسخ پرسش اصلی پژوهش مبنی بر اینکه «آیا مدل تبیین رفتار انحرافی بر اساس مدل‌های فشار عمومی، خودکنترلی و پیوند اجتماعی با داده‌های تجربی برازش دارد؟»، از تحلیل معادلات ساختاری و نرم‌افزار AMOS بهره گرفته شده است. مزیت اصلی مدل‌های معادلات ساختاری این است که می‌توان مسیرهای متعددی که به رفتار انحرافی می‌انجامد را ترسیم کرد و اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای پیش‌بین و متغیرهای میانجی را بر رفتار انحرافی در میدان عمل آزمود (الیوت و همکاران، ۱۹۸۵؛ هویزینگا و همکاران^{۵۵}، ۱۹۹۱؛ مافیت^{۵۶}، ۱۹۹۳؛ سیمونز و همکاران^{۵۷}، ۱۹۹۴، ۲۰۰۲؛ تورنبری و همکاران،

^{۵۵}. Huizinga et al.

^{۵۶}. Moffitt

^{۵۷}. Simons et al.

۲۰۰۳). با توجه به مدل مفهومی بسیط زیر، هریک از سازه‌های مکنون (برونزا و درونزا)، خود دارای چندین خرده مقیاس (مؤلفه) است که با استفاده از روش بسته‌بندی به عنوان متغیرهای مشاهده شده در مدل فرضی پژوهش ارائه شده است.



شکل ۲: ضرایب استاندارد شده مدل معادلات ساختاری رفتارهای انحرافی دانشجویان

شاخص‌های تعیین برازش مدل

در جدول زیر شاخص‌های تعیین برازش مدل پژوهش ارائه شده است:

جدول ۲. شاخص‌های برازش مدل معادلات ساختاری پژوهش

میزان کفایت برازش	نام شاخص
۲/۸۰	نسبت خی دو (χ ^۲) به درجه آزادی
۰/۰۶۶	ریشه خطای میانگین مجذورات تقریبی (RMSEA)
۰/۸۷	شاخص نرم شده برازش (NFI)
۰/۹۱	شاخص برازش تطبیقی (CFI)
۰/۹۲	شاخص نیکویی برازش (GFI)
۰/۸۸	شاخص نیکویی برازش تعدیل شده (AGFI)

همان‌طور که در جدول ۲ آمده است، شاخص‌های تعیین برازش حاکی از این هستند که مدل معادلات ساختاری مربوط به متغیر فشار عمومی به عنوان متغیر مستقل برونزا و متغیرهای خودکنترلی و پیوند اجتماعی به عنوان متغیرهای میانجی‌گر و متغیر رفتار انحرافی به عنوان متغیر وابسته، برازش نسبتاً مطلوبی با داده‌های پژوهش داشته است. یکی از شاخص‌های بررسی برازش مدل این است که نسبت خی دو به درجه آزادی، کمتر از ۲ باشد؛ اما در مدل‌های مربوط به نمونه‌های بزرگ - به دلیل حساس بودن مقدار خی دو به حجم نمونه - معمولاً این نسبت بالاتر از ۲ بدست می‌آید، در این موارد سایر شاخص‌های

تعیین برازش بررسی می‌شوند. یعنی اگر شاخص‌های GFI، AGFI، CFI و NFI بیشتر از ۰/۸ باشند و RMSEA کمتر از ۰/۱ باشد، حاکی از برازش مطلوب مدل با داده‌ها خواهد بود. بر اساس ملاک‌های مذکور که در جدول فوق مندرج‌اند، تمامی شاخص‌ها در حد مطلوب گزارش شده‌اند و مدل با داده‌ها برازش خوبی دارد و این بیانگر این است که رابطه خطی بین متغیرها و سازه‌های مکنون وجود دارد.

ضرایب اثر مدل

در جدول زیر ضرایب مسیر استاندارد شده و هم‌چنین نوع اثر متغیرهای پیش‌بین بر متغیر رفتارهای انحرافی ارائه شده است:

جدول ۳. ضرایب اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل کلیه متغیرهای پیش‌بین بر ملاک

متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک	نوع اثر	β استاندارد شده
فشار عمومی	رفتار انحرافی	مستقیم	۰/۳۰
	رفتار انحرافی	غیرمستقیم (فشار- پیوند- رفتار)	۰/۱۶
	رفتار انحرافی	غیرمستقیم (فشار- خودکنترلی پایین- رفتار)	۰/۰۷
	رفتار انحرافی	غیرمستقیم (فشار- خودکنترلی پایین- پیوند- رفتار)	۰/۰۷
خودکنترلی پایین	رفتار انحرافی	کل	۰/۶۰
	رفتار انحرافی	مستقیم	۰/۱۱
	رفتار انحرافی	غیرمستقیم (خودکنترلی پایین- پیوند- رفتار)	۰/۱۰
پیوند اجتماعی	رفتار انحرافی	کل	۰/۲۱
	رفتار انحرافی	مستقیم (کل)	-۰/۲۸

در جدول ۳ ضرایب اثر متغیرهای پیش‌بین (فشار عمومی، خودکنترلی پایین، پیوند اجتماعی) گزارش شده است. نکته شایان ذکر در خصوص قضاوت در مورد معنی داری مقدار بتا (β) استاندارد، ملاک نظری است. از لحاظ نظری، اگر ضریب مسیری کوچکتر از ۰/۰۵ باشد، معنی دار تلقی نمی‌شود (لند^{۵۸}، ۱۹۶۹ و منصورفر، ۱۳۸۵). بنابراین نتایج گزارش شده در جدول فوق، نشان می‌دهد که تمامی ضرایب اثر (بتا β استاندارد) معنی دار هستند. از طرفی استاندارد بودن ضرایب اثر، امکان مقایسه و قضاوت در مورد سهم متغیرهای پیش‌بین در تبیین متغیر ملاک را نیز به ما می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود متغیرهای فشار عمومی، خودکنترلی پایین و پیوند اجتماعی به ترتیب ۰/۶۰ در صد، ۰/۲۱ در صد و -۰/۲۸ در صد از تغییرات رفتارهای انحرافی را پیش‌بینی می‌کنند، بنابراین متغیر «فشار عمومی» به طرز قابل توجهی از سهم بیشتری در تبیین رفتارهای انحرافی برخوردار است.

نتیجه‌گیری

با توجه به آنکه هدف این پژوهش ارائه مدلی ساختاری به منظور شناسایی و تبیین عوامل مؤثر بر رفتارهای انحرافی دانشجویان بوده است، لذا مدل تدوین شده به بوته آزمایش سپرده شد تا در کنار پاسخ به این سؤال که آیا داده‌های تجربی با

^{۵۸}. Land

مدل، برازش مناسبی دارد، فرضیات پژوهش نیز مورد واکاوی و بررسی قرار گیرد. قبل از بحث درباره مدل، مقتضی است همبستگی‌های بین سازه‌های مدل نیز بررسی مختصری شود، بر اساس میزان همبستگی بین متغیرها، بیشترین میزان همبستگی ($r=0/43$) بین پیوند اجتماعی و خودکنترلی پایین گزارش شده است و در رتبه بعدی بین پیوند اجتماعی و رفتارهای انحرافی به ارزش ($r=0/425$) همبستگی وجود داشته است. هم‌چنین کمترین میزان همبستگی معنادار ($r=0/22$) بین دو سازه پیوند اجتماعی و فشار عمومی بیان شده است که البته همگی در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار گزارش شده است. شاخص‌های برازندگی مدل ($RMSEA=0/066$ ، $CFI=0/91$ و $GFI=0/92$) حاکی از برازش مطلوب داده‌ها با مدل نظری بوده است که پژوهشگر بر اساس مبانی نظری و پیشینه تجربی مفروض دانسته است. بنابراین می‌توان به صراحت بیان داشت که داده‌های تجربی با مدل مفروض برازش داشته است و می‌توان رفتارهای انحرافی را بر اساس دیگر سازه‌های مکنون تبیین کرد.

هم‌چنین تمامی ضرایب اثر (بتا β) متغیرهای پیش‌بین (فشار عمومی، خودکنترلی، پیوند اجتماعی) معنی‌دار بوده‌اند. به منظور بررسی اهمیت نسبی متغیرهای پیش‌بین ضرایب اثر هر کدام از متغیرها مقایسه شد^{۵۹}. نتایج نشان داد که فشار عمومی بر رفتارهای انحرافی، اثر مستقیم ($\beta=0/30$)، غیرمستقیم ($\beta=0/30$) و کل ($\beta=0/60$) معناداری دارد؛ خودکنترلی بر رفتار انحرافی، اثر مستقیم ($\beta=0/11$)، غیرمستقیم ($\beta=0/10$) و کل ($\beta=0/21$) معناداری دارد و پیوند اجتماعی بر رفتار انحرافی، اثر مستقیم ($\beta=-0/28$) معناداری دارد. بنابراین متغیر فشار عمومی به طرز قابل توجهی از سهم بیشتری در تبیین رفتارهای انحرافی برخوردار بوده است و متغیرهای پیوند اجتماعی و خودکنترلی به ترتیب در درجات بعدی اهمیت قرار می‌گیرند.

با توجه به نتایج بدست آمده، اثر کلی متغیر فشار عمومی از بین متغیرهای پیش‌بین در این پژوهش بیشتر بوده است. کم نیستند پژوهش‌هایی که بر تأثیر فشار بر ارتکاب رفتارهای انحرافی در جوامع هدف مختلف، تأکید دارند. به عنوان مثال، طبق نظر اگنو و وایت (۱۹۹۲)، مقیاس‌های فشار، رابطه مثبت با بزهکاری و استفاده از مواد مخدر دارد. یا همسو با نتایج پژوهش‌های دیگر، نوجوانان ۱۷-۱۲ ساله در مقایسه با کودکان یا بزرگسالان، استرس‌های بیشتری را تجربه می‌کنند (اگنو، ۲۰۰۳؛ هافمن و سو^{۶۰}، ۱۹۹۸) و رویدادهای استرس‌آور زندگی منجر به مصرف مواد می‌شود (آستاین و گور^{۶۱}، ۲۰۰۰؛ هافمن و سربون^{۶۲}، ۱۹۹۹). نتیجتاً به منظور درک رفتار مصرف مواد جوانان و نوجوانان به طور کامل، نه تنها نیاز به در نظر گرفتن خانواده، مدرسه و دوستان هم‌سال هستیم بلکه باید انواع فشارهای وارده به نوجوانان را در طول مراحل رشد آنها به حساب آورد. همان‌طور که کتز^{۶۳} (۲۰۰۰) خاطر نشان کرده است، نظریه فشار عمومی برای مطالعه جرم و رفتارهای انحرافی زنان، به ویژه زنان اقلیت بسیار مهم است (پرستون^{۶۴}، ۲۰۰۶).

اگنو انحراف را نتیجه مستقیم تأثیرگذاری منفی خشم و ناکامی و احساسات مضر می‌داند که به دنبال مناسبات اجتماعی مخرب و منفی به وجود می‌آید و هم‌چنین معتقد است هرچه شدت و تکرار واقعه فشار بیشتر باشد، احتمال بروز رفتار انحرافی بیشتر است (سیگل، ۱۹۹۸). بنابراین مطابق نظریه اگنو، افرادی که در معرض فشار مکرر قرار دارند، بیشتر احتمال دارد که مرتکب اعمال انحرافی شوند (اگنو، ۱۹۹۲؛ سامروف، گاتمن و پک^{۶۵}، ۲۰۰۳). زمانی که جوان تلاش می‌کند تا از محرک‌های منفی، اجتناب یا فرار کند یا محرک‌های منفی را کم کند یا خاتمه دهد یا دنبال جانشینی برای منبع انگیزه منفی یا اهداف مرتبط با آن باشد یا با استعمال مواد مخدر غیرقانونی، آثار محرک‌های منفی را خنثی کند، محرک منفی ممکن

^{۵۹}. استاندارد بودن ضرایب اثر، امکان مقایسه و قضاوت در مورد سهم متغیرهای بیش‌بین در تبیین متغیر ملاک را به ما می‌دهد.

^{۶۰}. Hoffmann and Su

^{۶۱}. Aseltine and Gore

^{۶۲}. Hoffmann and Cerbone

^{۶۳}. Katz

^{۶۴}. Preston

^{۶۵}. Sameroff, Gutman, & Peck

است منجر به رفتار انحرافی شود (اگنو، ۱۹۹۲: ۵۸). طبق نظریه فشار عمومی، بروز رفتارهای انحرافی بیشتر در افرادی رخ می‌دهد که: از مهارت‌ها و منابع مقابله‌ای ضعیف، مهارت‌های حل مسئله ضعیف، مهارت‌های اجتماعی ضعیف، منابع مالی محدود و اعتماد به نفس پایین برخوردارند، و از طرفی قدرت فیزیکی و توانایی جنگیدن و به بیان دیگر اعتماد به نفس در رفتارهای مجرمانه دارند. از کنترل اجتماعی پایین شامل کنترل مستقیم ضعیف و باورهای غیراخلاقی برخوردارند. با دوستان مجرم و بزهدکار معاشرت دارند که همین امر آنها را به انجام رفتار انحرافی و مجرمانه تشویق و وادار می‌کند. این افراد هم چنین از حمایت اجتماعی، حمایت مالی، حمایت عاطفی، و یاری مستقیم چندانی برخوردار نیستند. این نوع حمایت عمدتاً از خانواده، دوستان، معلمان، همکاران، همسایگان، نهادهای مذهبی و نهادهای دولتی تأمین می‌شود. بنابراین این افراد در معرض شرایطی قرار گرفته‌اند که هزینه انجام رفتارهای انحرافی و مجرمانه، کم و مزایای آن بیشتر است (اگنو، ۲۰۰۱، ۲۰۰۶a، ۲۰۰۶b). با توجه به دلالت‌های سیاستی نظریه فشار عمومی، باید فشارهایی که زمینه‌ساز رفتار انحرافی و مجرمانه است کاهش یابد. این امر از طریق تغییر محیط اجتماعی و ساختارهای اجتماعی امکان پذیر است. اگنو برخی از برنامه‌های پیشگیری را شناسایی کرده است که با نظریه فشار عمومی هماهنگ‌اند. از نظر وی، نوید بخش‌ترین برنامه‌ها روی خانواده تمرکز می‌کنند.

بنابراین با عنایت به این نظریه، سعی می‌شود از طریق تدوین و اجرای برنامه‌های پیشگیری و بازتوانی، آن دسته از فشارها (مثل طرد والدین، استفاده از نظام مستبدانه در منزل، سوء استفاده جنسی، شکست تحصیلی، بیکاری) که زمینه‌ساز رفتار انحرافی و مجرمانه است کاهش یابد. علاوه بر حذف یا تغییر فشارها، راه آسان‌تر برای افراد اجتناب از انواع گوناگون فشارها است. از دیدگاه نظریه فشار اگنو، یک راهبرد منطقی یافتن راه‌هایی است که از آن طریق بتوان روابط منفی را در خانواده، مدرسه، دانشگاه، محیط کاری یا همسایگی‌ها کاهش داد. هم‌چنین چون برخی از افراد به احتمال زیاد رویدادها و شرایط خاصی را به گونه متفاوت و منفی تفسیر می‌کنند و در شرایط یکسان، رفتارهای انحرافی از خود نشان می‌دهند لازم است که به کمک آموزش، ویژگی‌های فردی افراد را به گونه‌ای تغییر داد تا کمتر در معرض رویدادهای پرتنش و فشارزا قرار گیرند. به عنوان مثال، می‌توان از طریق آموزش به تقویت سرمایه‌های اقتصادی، سرمایه‌های روان‌شناختی، سرمایه‌های معنوی افراد منحرف پرداخت.

یکی دیگر از متغیرهای تأثیرگذار مورد نظر در این پژوهش، پیوند اجتماعی بوده است که پس از فشار، دومین متغیر با اثر قوی گزارش شده است. مقالات و پژوهش‌های بسیاری از رابطه پیوند اجتماعی و میزان ارتکاب رفتارهای انحرافی حمایت می‌کنند. یافته کلی این پژوهش در خصوص اهمیت متغیر پیوند اجتماعی بر رفتارهای انحرافی با نتایج پژوهش‌های پیشین سازگار بوده است (اگنو، ۱۹۹۳؛ بروک و همکاران^{۶۶}، ۱۹۹۰؛ اریکسون و همکاران^{۶۷}، ۲۰۰۰؛ گینزبرگ و گرینلی^{۶۸}، ۱۹۷۸؛ مارکوس و همکاران، ۱۹۸۶؛ ماتسوندا، ۱۹۸۲؛ ماتسوندا و هایمر^{۶۹}، ۱۹۸۷؛ پرستون^{۷۰}، ۲۰۰۶؛ لین و دمبو^{۷۱}، ۲۰۰۸). نتایج پژوهش‌های گوناگون حاکی از آن است که دانشجویانی که از خانواده خود بریده‌اند یا طرد شده‌اند تمایل بیشتری برای انجام رفتارهای ضد اجتماعی دارند (مورای و فارینگتون^{۷۲}، ۲۰۰۵). افزون بر این‌ها، نتایج پژوهش‌های دیگر نشان داده است

^{۶۶}. Brook et al.

^{۶۷}. Erickson et al.

^{۶۸}. Ginsberg and Greenley

^{۶۹}. Matsueda and Heimer

^{۷۰}. Preston

^{۷۱}. Lin, & Dembo

^{۷۲}. Murray & Farrington

که رفتار انحرافی با نظارت والدینی مرتبط است (لیزر، لاستر و اوشیو^{۷۳}، ۲۰۰۷). تحقیقی که در بوستون آمریکا انجام شده است، از این یافته حمایت می‌کند. دل‌بستگی والدینی ضعیف‌تر و نظارت والدینی کمتر با رفتارهای انحرافی افراد ارتباط مستقیم دارد (سامپسون، و لائوب^{۷۴}، ۱۹۹۴؛ کافمن، فاروگیا، و گلدویر^{۷۵}، ۲۰۰۸). از این رو خانواده، محیط آموزشی و محیط‌های کوچک‌تر اجتماعی مثل تعامل با همسایه‌ها بر رفتار انحرافی دانشجویان (یعنی مشارکت در رفتارهای پرخطر هم‌چون رفتارهای ضداجتماعی، سوء مصرف مواد، سوء استفاده‌های جنسی) تأثیر خیلی مهمی دارند (استیوز، استفانیا و ام‌لر^{۷۶}، ۲۰۱۰). بر این اساس می‌توان گفت که تداوم پیوندهای اجتماعی، مانع از رفتار انحرافی می‌شود. بنابراین هر چه میزان کمیت و کیفیت پیوستگی، التزام، مشغولیت و باور در درون افراد یک جامعه بالاتر باشد به همان میزان، احتمال بروز رفتارهای انحرافی کاهش می‌یابد. هم‌چنین باید گفت که این عناصر مستقل از هم نبوده و به صورت ترکیبی عمل می‌کنند، به این معنی که شدت یا ضعف یکی از عناصر، شدت یا ضعف سایر عناصر را در پی دارد، که در نهایت بر میزان ظهور و بروز رفتارهای انحرافی تأثیر می‌گذارند.

بر اساس نتایج مدل معادلات ساختاری در این پژوهش، متغیر خودکنترلی پایین پس از متغیرهای فشار عمومی و پیوند اجتماعی، بیشترین تأثیر را با اثر منفی بر ارتکاب رفتارهای انحرافی دانشجویان داشته است. این نتیجه با نتایج بسیاری از پژوهش‌ها هماهنگ است. یافته‌های تحقیق جونز و کیزن‌بری (۲۰۰۴) نشان داده است که با کاهش خودکنترلی، فراوانی رفتارهای خطرناک افزایش می‌یابد و افراد با خودکنترلی بالا کمتر در رفتارهای جنسی پرخطر مشارکت می‌کنند. وازونی و کراسویت (۲۰۰۴) نیز نشان داده‌اند که خودکنترلی پایین به طور ثابت پیش‌بینی‌کننده انحراف دختران و پسران است. هرگاه تمام امور دیگر مساوی باشد، خودکنترلی پایین و پیوند ضعیف با جامعه به طور مثبت و معنی‌دار، انواع رفتارهای منحرف و مجرمانه را پیش‌بینی می‌کند (پولاکاوسکی^{۷۷}، ۱۹۹۴: ۶۲). فقدان خودکنترلی و نقش خانواده در عدم تکامل آن، بدان معنا نیست که فرد حتماً انحراف پیدا خواهد کرد، بلکه این امر شرایطی را به وجود می‌آورد که زمینه را برای بزهکاری مساعد می‌کند (گراسمیک^{۷۸}، ۱۹۹۳؛ آر‌نکلف^{۷۹} و همکاران، ۱۹۹۳). پرات و کالن (۲۰۰۰) ادعا کردند که خودکنترلی ضعیف، یکی از قوی‌ترین همبسته‌های جرم است (علی‌وردی‌نیا، ۱۳۹۰).

محققان بسیاری به بررسی این موضوع پرداخته‌اند که عوامل ذکر شده چگونه احتمال رفتارهای انحرافی را افزایش می‌دهند. نتایج این پژوهش‌ها گویای آن است که عوامل به صورت همزمان و با اثر آمیخته بروز رفتارهای انحرافی در جوانان را پیش‌بینی می‌کنند (هی و ایوانز^{۸۰}، ۲۰۰۶؛ جانگ^{۸۱}، ۲۰۰۷؛ جانسون و کرچر^{۸۲}، ۲۰۰۷؛ رابرز^{۸۳}، ۲۰۰۴؛ والش^{۸۴}، ۲۰۰۰). به نظر می‌رسد عوامل مؤثر در سوق دادن افراد به سوی ارتکاب رفتارهای انحرافی و مجرمانه پیچیده و چند بعدی است و برای بررسی و تبیین دقیق‌تر این موضوعات پیچیده، باید به تعداد زیادی از عوامل خطر ساز و عوامل محافظت‌کننده به طور همزمان

^{۷۳} . Laser, Luster, & Oshio

^{۷۴} . Sampson & Laub

^{۷۵} . Cauffman, Farruggia, & Goldweber

^{۷۶} . Estévez, Estefanía & Emler

^{۷۷} . Polakowski

^{۷۸} . Grasmick

^{۷۹} . Arneklev

^{۸۰} . Hay & Evans

^{۸۱} . Jang

^{۸۲} . Johnson & Kercher

^{۸۳} . Robbers

^{۸۴} . Walsh

توجه شود (اگنو، ۲۰۰۶b، مازرول و ماس^{۸۵}، ۲۰۰۰). مفهوم اساسی در نظریه خودکنترلی گاتفردسون و هیرشی خودکنترلی پایین است. خودکنترلی پایین، احتمال بیشتری برای درگیر شدن فرد در رفتار انحرافی به همراه دارد؛ در حالی که خودکنترلی قوی، احتمال درگیر شدن در جرم را اندک می‌کند. نظریه خودکنترلی، هم‌چنین بیان می‌کند که فقدان خودکنترلی برای بروز جرم شرط کافی و لازم نیست، زیرا دیگر ویژگی‌های فرد، یا موقعیت وی، ممکن است احتمال بروز رفتار انحراف‌آمیز در وی را کاهش دهد. گاتفردسون و هیرشی به طور ضمنی اظهار داشته‌اند مقصود این نیست که اینها نوع خاصی از فعالیت را پیش‌بینی کند، چون رفتار منحرفانه، ماهیتاً فرصت‌طلبانه است، بنابراین، هرگاه تمام امور دیگر مساوی باشد، خودکنترلی پایین و پیوند ضعیف با جامعه به طور مثبت و معنی‌دار، انواع رفتارهای منحرف و مجرمانه را پیش‌بینی می‌کند. فقدان خودکنترلی و نقش خانواده در عدم تکامل آن، بدان معنا نیست که فرد حتماً انحراف پیدا خواهد کرد، بلکه این امر، شرایطی را به وجود می‌آورد که زمینه را برای بزهکاری مساعد می‌کند.

^{۸۵} . Mazerolle & Maahs

منابع:

- ایکرز، رونالد؛ سلرز، کرسیتین، (۱۳۹۰)، نظریه‌های بی‌سازمانی اجتماعی، بی‌هنجاری و فشار، ترجمه بهروز جوانمرد، تعالی حقوق، ۳(۱۲): ۱۴۷-۱۰۵.
- بوالهری، جعفر؛ طارمیان، فرهاد؛ پیروی، حمید (۱۳۸۵)، شیوع شناسی مصرف مواد و عوامل خطر و محافظت‌کننده در دانشجویان شهر تهران. تهران: دفتر مرکزی مشاوره وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- دلاور، علی (۱۳۸۹)، مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، چاپ سوم، تهران: رشد.
- دواس، دی. ای. (۱۳۸۶)، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایی، چاپ هشتم، تهران: نشر نی.
- رحیمی موقر، آفرین؛ سهیمی ایزدیان، سیف‌الله؛ یونسیان، مسعود (۱۳۸۵)، مطالعه موردی و ضعیف مصرف مواد در دانشجویان کشور، مجله جامعه‌شناسی ایران، ۵(۲): ۱۰۴-۸۳.
- ستاد مبارزه با مواد مخدر (۱۳۸۶)، اهمیت و ضرورت مسئله اعتیاد و میزان شیوع آن در سراسر کشور.
- سراج‌زاده، سید حسین؛ فیضی، ایرج (۱۳۸۶)، عوامل اجتماعی موثر بر مصرف تریاک و مشروبات الکلی در بین دانشجویان، نامه علوم اجتماعی، ۳۱: ۱۰۲-۸۱.
- شفرز، برنهاد (۱۳۸۳)، مبانی جامعه‌شناسی جوانان، ترجمه کرامت‌الله راسخ، تهران: نشر نی.
- علیوردی‌نیا، اکبر (۱۳۸۹)، جامعه‌شناسی کارتن‌خوابی، تهران: جامعه‌شناسان.
- کرد میرزا، عزت‌الله؛ آزاد، حسین؛ اسکندری، حسین (۱۳۸۲)، هنجاریابی آزمون آمادگی اعتیاد به منظور شناسایی افراد مستعد سوء مصرف مواد در بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران، فصلنامه اعتیاد پژوهی، ۱(۲): ۸۰-۴۷.
- کرلینجر، فردریک نیکلز؛ پدهازر، الازار (۱۳۸۴)، رگرسیون چند متغیری در پژوهش رفتاری، ترجمه حسن سرایی، چاپ اول، تهران: سمت.
- منصورفر، کریم، (۱۳۸۷)، روشهای آماری، چاپ نهم، تهران: دانشگاه تهران.
- ولد، جرج برایان (۱۳۸۰)، جرم‌شناسی نظری، ترجمه علی شجاعی، تهران: سمت.
- ولش، کلی (۱۳۸۹)، درآمدی بر دو نظریه تراویس هیرشی، ترجمه بهروز جوانمرد، تعالی حقوق، ۲(۴): ۱۱۶-۱۰۳.
- ویلیامز، فرانک پی؛ مک‌شین، ماری‌لین (۱۳۹۱)، نظریه‌های جرم‌شناسی، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، چاپ چهارم، تهران: میزان.
- وینفری، توماس ال. (۱۳۸۸)، نظریه‌های جرم‌شناسی، ترجمه سید رضا افتخاری، گناباد: دانشگاه آزاد اسلامی.
- هومن، حیدرعلی (۱۳۹۰)، مدل یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم افزار لیزرل، چاپ چهارم، تهران: سمت.
- Agnew, R. (۲۰۰۳). An integrated theory of the adolescent peak in offending. *Youth & Society*, ۳۴: ۲۶۳-۲۹۹.
- Agnew, R. (۱۹۸۵). A revised strain theory of delinquency. *Social Forces*, ۶۴: ۱۵۱-۱۶۷.
- Agnew, R. (۱۹۹۲) Foundation for a General Strain Theory of Crime and delinquency, *Criminology*, ۳۰(۱): ۴۷-۸۷.
- Agnew, R. (۱۹۹۳). Why do they do it? An examination of the intervening mechanisms between 'Social Control' variables and delinquency. *Journal of Research in Crime and Delinquency*, ۳۰(۳): ۲۴۵-۲۶۶.
- Agnew, R. (۲۰۰۱). Building on the foundation of general strain theory: Specifying the types of strain most likely to lead to crime and delinquency. *Journal of Research in Crime and Delinquency*, ۳۸: ۳۱۹-۳۶۱.

Agnew, R. (۲۰۰۶a). General strain theory: Current status and directions for further research. In F. T. Cullen, J. P. Wright, & K. R. Blevins (Eds.), *Taking stock: The status of criminological theory, advances in criminological theory* (Vol. ۱۰, pp. ۱۰۱-۱۲۶) New Brunswick, NJ: Transaction.

Agnew, R. (۲۰۰۶b). *Pressured into crime: An overview of general strain theory*. New York: Oxford University Press.

Agnew, R., and White, H. (۱۹۹۲). An empirical test of general strain theory. *Criminology*, ۳۰: ۴۷۰-۴۹۹.

Akers, R. L. (۲۰۰۰). *Criminological theories: Introduction, evaluation and application*. Los Angeles: Roxbury, ۱۳۹-۱۸۸.

Akers, R.L. (۱۹۹۰). Rational choice, deterrence, and social learning theory in criminology: The path not taken. *Journal of Criminal Law and Criminology*, ۸۱: ۶۵۳-۶۷۶.

Arneklev, B. J., H. G. Grasmick, C. R. Tittle & Bursik R. J. (۱۹۹۳). Low self-control and imprudent behavior. *Journal of Quantitative Criminology*, ۹: ۲۲۰-۲۴۷.

Aseltine, Robert H. & Susan L. G. (۲۰۰۰). The variable effects of stress on alcohol use from adolescence to early adulthood. *Substance Use & Misuse*, ۳۵: ۶۴۳-۶۶۸.

Bao, W., Haas, A., & Pi, Y. (۲۰۰۴). Life strain, negative emotions, and delinquency: An empirical test of general theory in the people's Republic of China. *International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology*, ۴۸: ۲۸۱-۲۹۷.

Brook, J. S., Brook, D.W., Cordon, A.S., Whiteman, M.S., Chen, P. (۱۹۹۰) The psychosocial etiology of adolescent drug use: A family interactional approach. *Genetic, Social, and General Psychology Monographs*, ۱۱۶(۲): ۱۱۱-۲۶۷

Brown Stephen E., Esbensen Finn-Aage, Geis Gilbert (۲۰۱۰). *Criminology: Explaining Crime and Its Context*, Seventh Edition, Matthew Bender & Company, Inc., a member of the LexisNexis Group New Providence, NJ.

Cauffman, E., Farruggia, S. P., & Goldweber, A. (۲۰۰۸). Bad boys or poor parents: Relations to female juvenile delinquency. *Journal of Research on Adolescence*, ۱۸(۴), ۶۹۹-۷۱۲.

Cernkovich, S.A. (۱۹۷۸). Evaluating two models of delinquency causation: Structural theory and control theory. *Criminology*, ۱۶: ۳۳۰-۳۵۲.

Clinard Marshall B., Meier Robert F., (۲۰۱۰). *Sociology of deviant behavior*, Wadsworth Cengage Learning.

Coster, Stacy De., Butler, K. (۲۰۰۶), How general is general strain theory? *Journal of Research in Crime and Delinquency*, ۴۳(۴): ۲۹۷-۳۲۰.

Cullen, F. and Agnew, R. (۲۰۰۶). *Criminological theory: past to present*. Los Angeles CA: Roxbury.

Elliott, Delbert S., Huizinga, D., & Ageton, S. (۱۹۸۵). *Explaining delinquency and drug use*. Beverly Hill, CA: Sage Publications.

Estévez, Estefanía & Emler N. P. (۲۰۱۰). A structural modelling approach to predict adolescent offending behaviour from family, school and community factors. *European Journal on Criminal Policy and Research*, ۱۶(۴): ۲۰۷-۲۲۰.

Fergusson, D. M., Horwood, L. J., Lynskey, M. T., & Madden, P. A. (۲۰۰۳). Early reactions to cannabis predict later dependence. *Archives of General Psychiatry*, ۶۰: ۱۰۳۳-۱۰۳۹.

Ginsberg, Irving J. and James R. Greenley. (۱۹۷۸). *Competing Theories of Marijuana Use: A Longitudinal Study*. *Journal of Health and Social Behavior* ۱۹: ۲۲-۳۴.

Gottfredson, M., & Hirschi, T. (۱۹۹۰). *A general theory of crime*. Stanford, CA: Stanford University Press.

Grasmick, H. G. , Tittle, C. R. , Bursik, R. J. , & Arneklev, B. J. (۱۹۹۳). Testing the core empirical implications of Gottfredson and Hirschi's general theory of crime. *Journal of Research on Crime and Delinquency*, ۳۰: ۵-۲۹.

Hay, C., & Evans, M. M. (۲۰۰۶). Violent victimization and involvement in delinquency: Examining predictions from general strain theory. *Journal of Criminal Justice*, ۳۴: ۲۶۱-۲۷۴.

Hay. Carter (۲۰۰۱). Parenting, Self-Control, and Delinquency: A test of self-control theory, *Criminology*, ۳۹(۳): ۷۰۷-۷۳۶.

Hirschi, T. (۱۹۶۹). *Causes of delinquency*. University of California Press, Berkeley, CA.

Hoffmann, J. P. & Su, S. (۱۹۹۸). Stressful Life Events and Adolescent Substance Use and Depression: Conditional and Gender Differentiated Effects. *Substance Use & Misuse*, ۳۳: ۲۲۱۹-۲۲۶۲.

Hoffmann, J. P., & Su, S. S. (۱۹۹۷). The conditional effects of stress on delinquency and drug use: A strain theory assessment of sex differences. *Journal of Research in Crime and Delinquency*, ۳۴: ۴۶-۷۸.

Howard, M. O., & Jenson, J. M. (۱۹۹۹). Clinical practice guidelines: Should social work develop them?, *Research on Social Work Practice*, ۹: ۲۸۳-۳۰۱.

Huizinga, D., F. Esbensen & Weiher A.W. (۱۹۹۱). *Are There Multiple Paths to Delinquency?*, *Journal of Criminal Law and Criminology* , ۸۲: ۸۳-۱۱۸.

Jang, S. J. (۲۰۰۷). Gender differences in strain, negative emotions, and coping behaviors: A general strain theory approach. *Justice Quarterly*, ۲۴: ۵۲۳-۵۵۳.

Johnson, M. C., & Kercher, G. A. (۲۰۰۷). ADHD, strain, and criminal behavior: A test of general strain theory. *Deviant Behavior*, ۲۸: ۱۳۱-۱۵۲.

Jones, S., and Quisenberry, N. (۲۰۰۴). The general theory of crime: How general is it?, *Deviant Behavior*, ۲۵: ۴۰۱-۲۶.

Katz, R. S. (۲۰۰۰). Explaining girls' and women's crime and desistance in the context of their victimization experiences: A developmental test of revised strain theory. *Violence Against Women*, ۶: ۶۳۳-۶۶۰.

Krohn M. D., Lizotte A. J., Hall G.P. (۲۰۰۹). *Handbook on crime and deviance*, Springer Dordrecht Heidelberg London New York.

LaFree, G. (۱۹۹۸). *Losing legitimacy: Street crime and the decline of social institutions in America*. Boulder, CO: Westview.

Land, K. C. (۱۹۶۹). Principles of Path analysis. In: E.F.Borgatta(Ed.), *sociological methodology*. San Francisco: Jossey- Bass.

Laser, J. A., Luster, T. & Oshio, T. (۲۰۰۷). Promotive and risk factors related to deviant behavior in Japanese youth. *Criminal Justice and Behavior*, ۳۴(۱۱): ۱۴۶۳-۱۴۸۰.

Lin W. H., & Dembo, R. (۲۰۰۸). An integrated model of juvenile drug use: A cross-demographic groups study. *Western Criminology Review*, ۹(۲): ۳۳-۵۱.

Luthar, S.S. (۲۰۰۳). *Resilience and vulnerability: Adaptation in the context of childhood adversities*. (Ed.) Cambridge University Press.

Macros, A. et al. (۱۹۸۶). Test of bonding association theory of adolescent drug use. *Social Forces*. ۶۵: ۱۳۵-۱۶۱.

Masten, A. S., Powell, J. L. (۲۰۰۳). Resilience framework for research, policy, and practice. In S. S. Luthar (Ed.), *Resilience and vulnerability: Adaptation in the context of childhood adversities* (pp. ۱-۲۵). New York: Cambridge University Press.

Matsueda, R. L. (۱۹۸۲). Testing control theory and differential association: A causal modeling approach. *American Sociological Review*, ۴۷: ۴۸۹-۵۰۴.

Mazerolle, P., & Maahs, J. (۲۰۰۰). General strain theory and delinquency: An alternative examination of conditioning influences. *Justice Quarterly*, ۱۷, ۷۰۳-۷۷۸.

Moffitt, T. E. (۱۹۹۳). Adolescence-Limited and Life-Course-Persistent Antisocial Behavior: A Developmental Taxonomy. *Psychological Review*, ۱۰۰: ۶۷۴-۷۰۱.

Murray, J., & Farrington, D. P. (۲۰۰۰). Parental imprisonment: Effects on boys' antisocial behaviour and delinquency through the life-course. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, ۴۱(۱۲): ۱۲۶۹-۱۲۷۸.

Nakhaie, R. Silverman & Lagrange (۲۰۰۰), Self control and social control: An examination of gender, ethnicity, class and delinquency. *Canadian Journal of Sociology*, ۳۴(۸): ۲۳۲-۲۸۴.

Parker, K. & McCall, P. (۱۹۹۹). Structural conditions and racial homicide patterns: A look at the multiple disadvantages in urban areas. *Criminology*, ۳۷: ۴۴۷-۴۷۷.

Piquero, A. & Tibbetts, S. (۱۹۹۶). Specifying the direct and indirect effects of self-control and situational factors in offenders' decision making: Toward a more complete model of rational offending. *Justice Quarterly*, ۱۳: ۴۸۱-۵۱۰.

Polakowski, M. (۱۹۹۴). Linking self- and social control with deviance: illuminating the structure underlying a General Theory of Crime and its relation to deviant activity, *Journal of Quantitative Criminology*, ۱۰(۱): ۴۱-۷۸.

Robbers, M. L. P. (۲۰۰۴). Revisiting the moderating effect of social support on strain: A gendered test. *Sociological Inquiry*, ۷۴: ۵۴۶-۵۶۹.

Sampson, R. J., & Laub, J. H. (۱۹۹۴). Urban poverty and the family context of delinquency: A new look at structure and process in a classic study. *Child Development*, ۶۵: ۵۲۳-۵۴۰.

Sameroff, A. J., & Gutman, L. M. (۲۰۰۴). Contributions of risk research to the designs of successful interventions. In P. Allen-Meares and M.W. Fraser (Eds.), *Intervention with Children and Adolescents: An Interdisciplinary Perspective* (pp. ۹-۲۶). Boston, MA: Allyn-Bacon.

Seigel, Larry. (۱۹۹۸). *Criminology*. London: Wadsworth Publishing Company.

Siegel, L. J. (۲۰۰۱) *Criminology: Theories, patterns, and typologies*, (۷th ed). university of Massachusetts.

Simons, R.L., C. Wu, R.D. Conger & F.O. Lorenz. (۱۹۹۴). Two routes to delinquency: differences between early and late starters in the impact of parenting and deviant peers. *Criminology*, ۳۲: ۲۴۷-۲۷۰.

Szasz, T. S. (۱۹۸۴). *The myth of mental illness: Foundations of a theory of personal conduct*. New York: Harper & Row.

Thornberry, T. P, Krohn, M. D., Lizotte, A. J., Smith, C. A., & Tobin, K. (۲۰۰۳). *The toll of gang membership: Gangs and delinquency in developmental perspective*. New York, NY: Cambridge University Press.

Vazsonyi, A. and Crosswhite, J. (۲۰۰۴). A test of Gottfredson and Hirschi's general theory of crime in African American adolescents". *Journal of Research on Crime and Delinquency* ۴۱: ۴۰۷-۴۳۲.

Walsh, A. (۲۰۰۰). Behavior genetics and anomie/strain theory. *Criminology*, ۳۸: ۱۰۷۵-۱۱۰۸.